

۲۲ خرداد، روز کشف حجاب!

تمامی کسانی که گمان می‌برند که با شرکت در انتخابات ریاست جمهوری دهم، حقوق و آزادی‌هایی معوقه و نقض شده از مجموعه حقوق بشر که در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد و ملحقاتش تصریح شده است (اعم از حقوق فردی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی) تأمین و تضمین می‌گردد، اگر به کمتر از کسب و اعاده حق مسلم و بدیهی و طبیعی نظارت و اختیار و حاکمیت و تسلط انسان بر تن و بدن خود که به مدت سی سال از ملت ایران سلب شده است و در حجاب اجباری* نماد و نمود یافته است رضایت بدهند و در برابر بی‌حقوقی خود در نظام تجاوز اسلامی آرام بگیرند، به یقین که فریب بزرگی خورده و کلاه گشادی سرشان رفته است.



حجاب اجباری اگر حتماً به صورت نخی به نازکی مو بر سر زنان خودنمایی کند، نماد و نشان و سمبل و مظهر و تجلی بی‌حقوقی در تمامی حوزه‌ها و عرصه‌ها و زمینه‌های خصوصی و عمومی و زیست اجتماعی انسان اعم از زن و مرد است. پذیرش حجاب اسلامی در معنی و مفهوم و گوهر خود به منزله پذیرفتن تفکیک جنسی و جنسیتی در کلیه روابط و مناسبات اجتماعی و به تبع آن پذیرفتن نابرابری و تبعیض حقوقی در همه زمینه‌هاست.

اسلام با تکیه و اصرار و تأکید بر تفکیک جنسیتی که در مقوله محرم و نامحرم شمردن انسان‌ها نسبت به یکدیگر تئوریزه و صورت بندی شده است، وجود و هستی انسانی را دویاره می‌کند، از هم می‌شکافد و می‌دراند. جفت یگانه انسانی را از همدیگر جدا و سوا و در نهایت با دو تعریف به شدت ناهمگون و مغایر و متنافر از زن و مرد، زمینه تبعیض و نقض و سلب حقوق طبیعی و اجتماعی انسان را فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر با تفکیک جنسیتی، زن و مرد نسبت به شناخت و ویژگی‌های هریک از خود همواره دچار غفلت و ناآگاهی اند و بالنتیجه از تجاوز به حقوق و آزادی‌های یکدیگر که در جوامع موسوم به اسلامی بطور پیوسته و دائمی صورت می‌گیرد هیچ اطلاعی نداشته و نسبت به علل و دلایل ناهنجاری‌ها و بیماری‌ها و نابسامانی‌های زیست اجتماعی خود عمیقاً ناآگاهند. در جامعه اسلامی رشد انسان‌ها به دلیل دویاره شدن انسان و تفکیک و تبعیض جنسیتی، رشدی نامتعادل و بیمارگونه و عقب مانده است و به جرأت می‌توان گفت که زمینه و بستر هرگونه ناهنجاری شخصیتی و روانی و رفتاری افراد و همچنین نابسامانی‌های اجتماعی را می‌باید در همین واقعیت جستجو نمود.

هر کدام از ما هنگام مواجهه با نابالویی یا این مضمون: «مهد کودک و آمادگی دخترانه» و یا «کودکستان و پیش دبستانی پسرانه»، آیا به این نکته اندیشیده ایم که چه ستمی از سوی متحجرین و مؤمنین و مذهبیون عقب مانده و متجاوز بر ملت ما روا داشته می‌شود؟ چگونه آخوندها و آیت‌الله‌ها و اسلامفروشان کینه توز با نفرت خود از آزادی و حقوق بشر، با زن ستیزی و زن آزاری، در واقع یک جامعه را بسوی انواع آسیب‌ها و بیماری‌های که در افراد بزرگسال (و نه بالغ) هرگز هیچ مداوایی برایش متصور نیست منحرف و مبتلا می‌کنند؟

در اسلام به انسان فرصت نمی دهند که به اندکی از رشد و خرد و شعور و بلوغ دست یابد و آنگاه جهت داشتن و یا نداشتن عقاید و باورهایی که در محیط زیستش شایع است تصمیم بگیرد. به محض خروج از زهدان مادر ختنه ات می کنند، در گوشت اذان می خوانند و خلاصه ترتیب را می دهند و مسلمانان می کنند. حتا اگر با خواهر دوقلویت همزمان به دنیا آمده باشی با رنگ صورتی و آبی نشان دار می شویم و بلافاصله تربیت دوگانه، تحصیل دوگانه و مجموعاً زندگی دوگانه ای آغاز می شود که هدف و مقصود از آن نه پرورش انسان آزاد و آزاد اندیش و خردورز و پرسنده و جستجوگر، بلکه تولید موجودی عقب مانده و منگل و مؤمن و مریض و مسلمان و مقلد و برده و بنده و عید و عیب و گوسفند می باشد.

همین خانم زهرا رهنورد که درجهء پرفسوری خود را ای بسا از دانشگاه دکتر کردان دریافت کرده باشد و بخاطر جیفهء دنیا و قدرت و بخوربخور بی حساب و کتاب در جمهوری اسلامی، به خواری و بی حرمتی حجاب تن سپرده و گرفتار در قفس حجاب اسلامی ادای روشنفکری درمی آورد، خود یکی از اسرای اسلام است. او را الگوی زنان ایرانی قلمداد کردن و دلپستن به وی توهین به ایرانی و آزادی و شرافت انسانی است.

وی در مصاحبه با BBC می گوید: «زهرا رهنورد: حضور من به خاطر دفاع از یک فکر و اندیشه است، که عمدتاً در رابطه با رفع تبعیض و حمایت از زنان است و من فکر می کنم که من به عنوان یک روشنفکر مسلمان و ایرانی وظیفه دارم از کاندیدایی که با او همفکری دارم حمایت کنم. حالا به طور اتفاقی این کاندیدا همسر من است.»

او اگر واقعاً به رفع تبعیض از زنان می اندیشد، چرا درباره حجاب تحمیلی سخن نمی راند؟ چرا از حکم شنیع و اهریمنی سنگسار زنان حرفی به میان نمی آورد؟ چرا فرهنگ صیغه بازی و فاحشه سازی را تقبیح نمی کند؟

از این سؤال هم بگذریم که از زنی مسلمان و پیچیده در گونی سیاه، داعیه روشنفکری تا چقدر پذیرفتنی است.

*

در تبلیغات نامزدهای انتخابات پیش رو، هریک از نامزدها در باره مسائل زنان و حقوق ایشان مزخرفات و یاهه هایی بعضاً توهین آمیز بر زبان می آورند که در تربیت اسلامی و معتقدات و باورهای اسلامی ایشان ریشه دارد. نامزدها از شراکت دادن زنان در کابینه و وزارت خانه ها در صورت پیروزی سخن می گویند که ما به تجربه، مشارکت زنانی از جنس عشرت شایق و فاطمه آلیا و دیگر فاطمی کماندوهای ضدزن و دشمن آزادی را شناخته و نتیجه اش را با تازیانه و سنگسار و اعدام زنان به خوبی لمس کرده ایم.

« خانه داری را به عنوان یک شغل تصویب و حقوق خانه داری به زنان خانه دار پرداخت خواهد شد.» (رضایی)

« ما در یک جامعه دینی به سر می بریم، در چنین نظامی، مسئله فقه بسیار اهمیت دارد و ارتباط گروه های فعال زنان با مراجع کار را بسیار آسان می کند. گرفتن یک نظر یا فتوا می تواند بسیاری از مشکلات را در موضوع حقوق زنان حل کند. نظریات علما در تصمیم گیری ها بسیار موثر خواهد بود.» (موسوی)

« فاطمه راکعی، رئیس ستاد مردمی زنان حامی موسوی در کشور، در سخنانی در دانشگاه تربیت مدرس خبر از تأسیس وزارتخانه زنان در صورت انتخاب این نامزد اصلاح طلب داد و گفت: وزارتخانه زنان در دولت موسوی برای رفع تبعیض ها تشکیل می شود.»

« از مسائل مهمی که در مجلس ششم تصویب ولی در شورای نگهبان رد و فعلاً در مجمع تشخیص مصلحت نظام، متوقف مانده است، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان است. پذیرش مشروط کنوانسیون با حق تحفظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی در کنار اصلاح قوانین متناسب با شرایط روز جامعه، می تواند به اصلاح بسیاری از رویه های جاری کمک کند.» (کروبی)

در باره « کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان » لازم است گفته شود که با صحبت از حق تحفظ و عدم مغایرت مفاد این کنوانسیون با شرع، گمان نمی کنیم که جز شیر بی یال و دم و اشکم چیزی از آن باقی بماند. چون حقوق زنان در شرع اسلام منحصر است به تن فروشی با مبلغ معلوم و مدت معلوم!

*

شما زنان که معتقد به شرکت در نمایش انتخابات رژیم اسلامی هستید و در تجمعات و همایش های تبلیغاتی نامزدها شرکت و فعالیت می کنید؛ شما زنان و دخترانی که در خیابان ها، سالن ها، تالارها و میادین عمومی و ستادهای انتخاباتی برای فلان کاندیدا هلله می کنید و کف می زنید، به خاطر داشته باشید و مراقب باشید که این روزها و این لحظه ها و ساعت ها به سرعت می گذرد و سپری می شود و در فردای انتخابات همان آتش است و همان کاسه. حکومت زن ستیز اسلامی از شماپایان به عنوان دستمال توالی استفاده می کند تا نکبت ها و زشتی ها و اندام کنیفش را پاکیزه کند و چهره نامردمی و بی آبروی خود را در نزد جهانیان بوسیله

چهره و سیمای زیبای شما نقاب بکشد.

شما زنان ایرانی باید همین امروز و در همین چند روز باقیمانده و پیش از اینکه کار از کار بگذرد و برنده انتخابات وعده ها و قول و قرارهایش را به طاق نسیان بسپارد و به زیر عباى رهبر بخزد که حتماً چنین خواهد بود، تکلیف خود را با مسئله حجاب اجباری روشن کنید. عاقبت در یک زمانی می باید بر این توسری و تحقیر سی ساله نقطه پایانی گذاشت. اگر امروز که به شما نیاز دارند و گشت های ارشاد و مأموران منکرات و خواهران زینب را از خیابان ها جمع کرده اند و « بدحجابی» شما را زیر سیل گذاشته و تحمل می کنند، یقین بدانید خردشان که از پل گذشت دوباره به سراغتان خواهند آمد و بگیر و ببند و توقیف و دستگیری و کلاتری و بازداشتگاه و شلاق و جریمه و اذیت و آزار زنان در دور تازه ای به جریان خواهد افتاد.

خواست لغو حجاب اجباری سر لوجه تمامی مطالبات زنان است. بدون کسب این امتیاز اساسی و نمادین، هر مطالبه ای از قبیل ارث و دیه برابر و غیرو، نه تنها دردی از بیشمار دردهای زنان در جامعه اسلامی دوا نمی کند که اصولاً این گونه مطالبات فرع بر مسئله کرامت و عزت انسانی است که در تحمیل حجاب زیر پا نهاده شده است. بدون لغو حجاب اجباری هرگز برابری و حرمت و کرامت زنان به ایشان باز نخواهد گشت.

در این فضای نسبتاً بی قید و بندی که در شب ها و روزهای منتهی به انتخابات ایجاد گشته و آخوندها و زن ستیزان مکارانه و بنا به مصلحت خویش چند قدمی عقب نشسته اند تا انتخاباتی شکوهمند تدارک بینند، وظیفه شما زنان و دختران ایرانی است که با شجاعت پا پیش گذاشته و دشمنان آزادی را هرچه بیشتر به عقب برانید. در وسط جنگ و جدل های نامزدها و دعوای جناحی، ملت باید از فرصت استفاده کرده و ماهی خودش را از آب بگیرد. به فکر آزادی خودش باشد.

شما زنان در همایش ها و میتینگ ها و جلسات تبلیغات نامزدها و گردهمایی های انتخاباتی و بخصوص در روز رأی گیری و در حوزه ها و در پای صندوق های رأی با شهامت و دلیری بی مانند خویش حجاب از سر بگیرید، روسری ها را بر زمین بیاندازید و همین امروز تکلیف خود را با وعده و وعید های سرخرمن و صدمن یک غاز نامزدها روشن سازید.

به خاطر بسپارید که اگر زنی چنین کرد و بی حجاب و سربرهنه در میان شما ظاهر شد، جدی اش بگیرید، به او پیوندید و همبسته و پیوسته و یگانه، آنچنان حرکت و موج و جنبشی بپا کنید که از سگ های هار اسلام و زینب کماندوهای پوزه بند بسته جز واق واقی و عریه ای کاری ساخته نباشد.

یادتان باشد که در این تجمعات و گردهمایی ها که معمولاً تا روز انتخابات ادامه می یابد، اگر زنی و دختری را مشاهده کردید که بی حجاب و طبیعی در میان شما ظاهر شده، تنهائش نگذارید. ممکن است همو دختر این نگارنده باشد. لطفاً تنهائش نگذارید!

* حجاب اسلامی اساساً اجباری است. توضیح این نکته و پرداختن به آن را باید به نوشتار دیگری سپرد.

siamakmehr@yahoo.com

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>